

بازخورد گزارش تاریخ نخستین مجله ادبی در مشهد

توقیف به دلیل یک سوء برداشت!



لایلا کوچک زاده

پس از انتشار گزارشی درباره مجله «دانش» به‌عنوان نخستین مجله ادبی مشهدکه ۱۰۲ سال پیش منتشر شدوروز دوشنبه (۱۳ تیر) باتیتر «تاریخ یک تک نسخه ادبی» در صفحه «تاریخ و هویت» به آن پرداختیم. سیدمهدی سیدقطبی، نگارنده کتاب چندجلدی اخبار خراسان، به این گزارش واکنشی مثبت نشان دادوبه یکی از سؤالات مادر این گزارش که یک نقطه ابهام تاریخی بود، پاسخ گفت. ماجرا از این قرار است که مادر آن گزارش عنوان کردیم سیدمحمد دانش، نخستین مجله ادبی مشهد را در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به راه می اندازد اما فقط یک تک شماره از آن منتشر می شودودلیل توقف انتشار این مجله ادبی در گزارش ما خالی ماند. قطبی با اشاره به سه خبر درباره مجله دانش که در کتاب «اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار، جلده دوازدهم منتشر شده است. گزارش ما را تکمیل کرد. این گونه بود که در یافتیم چاپ مقاله ای با عنوان «محا کمه عشق و جنون»، ترجمه اثری از لافونتن، شاعر معروف فرانسوی، دلیل توقیف این نشریه بوده است. همچنین در یافتیم شیخ محمد خیابانی، مبارز مشروطه خواه، در مقاله ای به نام «سیاست در مجله ماراه ندارد!» به مجله دانش که در دوران مشروطه بی طرفی سیاسی را پیش گرفته بوده، واکنش نشان داده است. به گفته سیدمهدی سیدقطبی در کتاب «اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار»، سه خبر درباره مجله دانش وجود دارد. خبر اول درباره شروع به کار مجله است که در تاریخ ۲۲ ربیع الاول سال ۱۲۳۸ قمری هم زمان با انتشار مجله در مطبوعات آن زمان منتشر می شود و از تأسیس نشریه خبر می دهد. در خبر نوشته شده است: «مجله دانش که حقیقتاً یک مجله علمی و ادبی است که به مدیریت آقای میرزا محمد دانش یکی از جوانان تحصیل کرده متمدن خراسان تأسیس شده و شماره اول آن را در همین هفته خواهید خواند[...]

این اولین اقدامی است که در توسعه معارف خراسان شده، زیرا هنوز در سایر ایالات ایران و خراسان، مجله ادبی علمی به طبع نرسیده است.» اما در خبر دوم که ۲۲ روز بعد از این خبر منتشر شده، آمده است: «مجله دانش به واسطه قسمتی از مندرجاتش در تعقیب اقدامات هیئت علمیه دچار تعطیل شد.»

یک هفته بعد از این خبر یعنی در ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۸ قمری، دلیل توقیف نشریه این گونه آمده است: «در اول برج جدی، مجله دانش از تحت طبع خارج شد. یک قسمت مطالب مجله ترجمه افسانه «لافونتن» شاعر معروف فرانسوی بود که میرزا حسن خان رئیس شعبه وصول مالیات، مستخدم اداره مالیه در تحت عنوان «محا کمه عشق و جنون» نوشته بود و نصف آن را به عنوان «بقیه دارد» به آتیه حواله داده است. بعد از انتشار مجله، قسمت فوق مورد توجه بعضی از اهالی مشهد شده. این گروه کاغذی به ایالت جلیله نوشته تقاضای توقیف مجله نمودند. ایالت جلیله، توقیف مجله را قبل از محاکمه به اداره نظمیه امر و محاکمه نوسننده را به موجب مکتوب به مدعی العموم دستور دادند. از طرف مدعی العموم میرزا حسن خان به عدلیه احضار و چندروز قبل در عدلیه حاضر شده و توضیحاتی داده است.»

اما مقاله «محا کمه عشق و جنون» اثر لافونتن که به «قصر برلیان» معروف می شود و میرزا حسن خان رئیس شعبه وصول مالیات، آن را به فارسی ترجمه کرده، روایتگر یک سفر ماورایی از بهشت به زمین است. مترجم در پانوشت این مقاله توضیح می دهد که مقصود از این صحیفه، پروراندن مفهوم چندشعر از اشعار لافونتن بوده که در منظومه عشق و جنون نوشته شده است اما این موضوع سبب سوء برداشت برخی افراد در مشهد می شود و اسباب تعطیلی مجله دانش را فراهم می کند. اما نکته در خور توجه دیگر، واکنش شیخ محمد خیابانی به نشریه دانش در مقاله «سیاست در مجله ماراه ندارد» است که البته ارتباطی با مقاله «محا کمه عشق و جنون» ندارد. ما برای رسیدن به مقاله خیابانی به کتابی با عنوان «خورشیدی که در تاریکی تبعد درخشد، دست یافتیم که خود زندگی نامه پژوهشگری خراسانی به نام میرسیدعلی آذری است.

او در فصلی از این کتاب، روایت می کند در شانزده سالگی که در مدرسه رحیمیه مشهد درس می خوانده است، نشریه دانش به دست او و دوستانش می رسد و مانند زربینشان دست به دست می شده است و اتفاقاً نوشته است که با خواندن مقاله «قصر برلیان»، مسرور شده و ادعا می کند به لذت معرفت دست یافته است. او همین جاب تحلیل های خود، واکنش شیخ محمد خیابانی به نشریه دانش را واگاو می کند، اینکه مبارز تبریزی در نشریه تجدد، به این سخن مدیر مسئول مجله دانش که می خواسته تنها منتشر کنند، آثار ادبی باشد و برای همین گفته بوده است مناقشات و مبارزات سیاسی در صفحات مجله جایی ندارد. واکنش نشان داده است. خیابانی در آن مقاله گفته است: «اگر تو سیاست بیزاری چرا قلم به دست گرفته ای؟ و چرا وارد جرگه مطبوعات شده ای؟» دیدگاه دیگر خیابانی نیز قابل تأمل است: «تا چه حد مناقشات و مبارزات مذکوره باید مایه اقتضاح و رسوائی بوده باشد، تا اینکه بتوانند امروز، یک تهدیدی تشکیل بدهند برای جوانان که قلم به دست گرفته می خواهند در این راه خدمت، قدم بزنند؟! محیط، مبارزات و مناقشات قلمی را در تحت چه شکل زشت و منفوری از ترس محیط، جوانان، اساساً منکر مناقشه و مبارزه می شوند؟!»

همچنین آذری می گوید: «خیابانی به مناسبت انتشار این مجله ادبی شروع به نگارش انتقادی نمود که قبل انتشار، آن انتقادات به منزله درس در مکتب تجدد مورد گفت وگو و بحث قرار می گرفت و منظور خیابانی از طرح این انتقاد در حوزه های جوانان، ترویج ادبیات نوو در عین حال آشناساختن جوانان به وضع محیط و چگونگی تفوق و غلبه بر محیط بود.»

آذری در همین کتاب، این خبر را هم آورده است که سه ماه پس از توقیف نشریه دانش، آقای محمد دانش، در تاریخ هشتم حمل (فروردین) ۱۲۹۹ تلگرافی تشکرآمیز به شیخ محمد خیابانی زده و در آن نوشته است: «صدمات عانده از توقیف مجله و کشمکش های یاس آوری که محکمه تاریخه موهون قضاوت آن ها است مایه تسلی خاطر گشت. بروز احساسات عالیله از ناحیه تجدد پرور تبریز که همیشه پیشرو کاروان آزادی و مؤنس ترقیات کشوری است، در تاریخ مجله کوچک دانش نیکوترین افتخارات را تثبیت می نماید.»



هما سعادت‌مند

نقش حرم مطهر بر نقشه هایی که قرن به قرن توسعه آن را نشان می دهد، از بهترین ابزار مطالعه تاریخ این مکان مقدس است اما متأسفانه از آنجا که این علم برای ایرانیان تا پیش از ایجاد دارالفنون ناشناخته بوده، حرم

مطهر رضوی نقشه شاخصی تا قبل از دوره قاجار ندارد. البته ناگفته نماند از مشهد قدیم، نقشه هایی در دست است که بیشتر به دست سیاحان اروپایی ترسیم شده اند ولی چون این سیاحان، مذهبی غیر از اسلام داشتند و برابر قوانین گذشته، نامسلمانان اجازه ورود به حرم مطهر رضوی را نداشتند، نقشه مجزایی برای این مکان ترسیم نشده است. برای نمونه، کلنل مک گرگور انگلیسی در سال ۱۲۹۲ هجری قمری، هنگام سفر به مشهد، نقشه ای از این شهر ارائه می دهد که موقعیت حرم به اندازه یک دایره کوچک در آن مشخص است و جزئیات دیگری ندارد. این یعنی تا پیش از صدارت امیرکبیر، تنها اطلاعات درباره حرم و ابنیه داخل آن را باید در شرح نوشته سفرنامه نویسانی چون این بطوطه جست و جو کرد. این موضوع بابه ثمر نشستن مهندسانی که امیرکبیر برای تربیتشان خون دل ها خورده بود، حل می شود و نقش خورشید بر نقشه می نشیند. این نقشه ها قدیمی ترین نقشه های علمی دارای مقیاس ریاضی و اطلاعات تاریخی از حرم مطهر است که نخستین آن ها در تیرماه ۱۲۴۶ خورشیدی روی کاغذ رنگ می گیرد و گزارش پیش رونقی است بر معرفی و تاریخ شکل گیری آن ها.

● نقشه ذوالفقارخان مهندس

با ایجاد دارالفنون، نقشه بردارهایی تربیت شدند که دانستند برای ارزیابی دقیق حدود حرم مطهر رضوی باید ابتدا مقیاسی دقیق از طول و عرض ریاضی آن ارائه کنند. نخستین این افراد «ذوالفقارخان مهندس» از نقشه برداران مشهور عصر قاجار است که در ربیع الاول ۱۲۸۴ هجری قمری (تیر ۱۲۴۶ خورشیدی) مجموعه حرم و بناهای وابسته به آن را روی نقشه ترسیم می کند. تاریخ نگاران اصل این نقشه را که اکنون در کاخ گلستان نگهداری می شود، با عنوان «نقشه مشهد مقدس رضوی از حیثیت بقعه و صحن و مسجد و مدرسه و قدری از عمارات و باغات متصل به صحن مقدس» می شناسند. نقشه ای که در آن مقیاس حرم و موقعیت مکانی نقاط مختلف حرم مانند رواق ها، صحن ها، مدارس، کشیک خانه ها، خزانه، مهمان سرا، مسیر نهرهای جاری در صحن ها، حوض ها، گلدسته های طلا و ایوان ها را می توان مشاهده کرد. نکته جالب در این نقشه که گویا در سفر نخست ناصرالدین شاه به مشهد رسم شده، توضیحات آماری و تاریخی است که نگارنده از نقاط مختلف حرم مانند مدارس، موقوفات، تکایا مدارس و... ارائه می دهد. از ذوالفقارخان مهندس نقشه های دیگری از شهرهای مختلف مشهد به یادگار مانده که معروف تر نشان نقشه شهر رشت است.

● نقشه کتاب «مطلع الشمس»

۱۹ سال پس از ذوالفقارخان مهندس در سال ۱۲۶۵ خورشیدی، نقشه دیگری از حرم مطهر رسم می شود که نقش آن در کتاب مطلع الشمس با عنوان «نقشه روضه مطهر» حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثناء و اروقه متبر که و صحن های مقدسه و بعضی ابنیه متصله به این اماکن شریفه» ماندگار شده است. این نقشه با هنر، دقت نظر و دانش فردی رقم خورده که نامش در پایین نقشه پاک شده و تنها عبارت «ولد خداداد خان» آن مشخص است اما مقیاس تقریباً

دقیقی از وسعت حرم و روضه منوره ارائه داده است. به این صورت که هر خانه نام یک ذرع در نظر گرفته شده است.

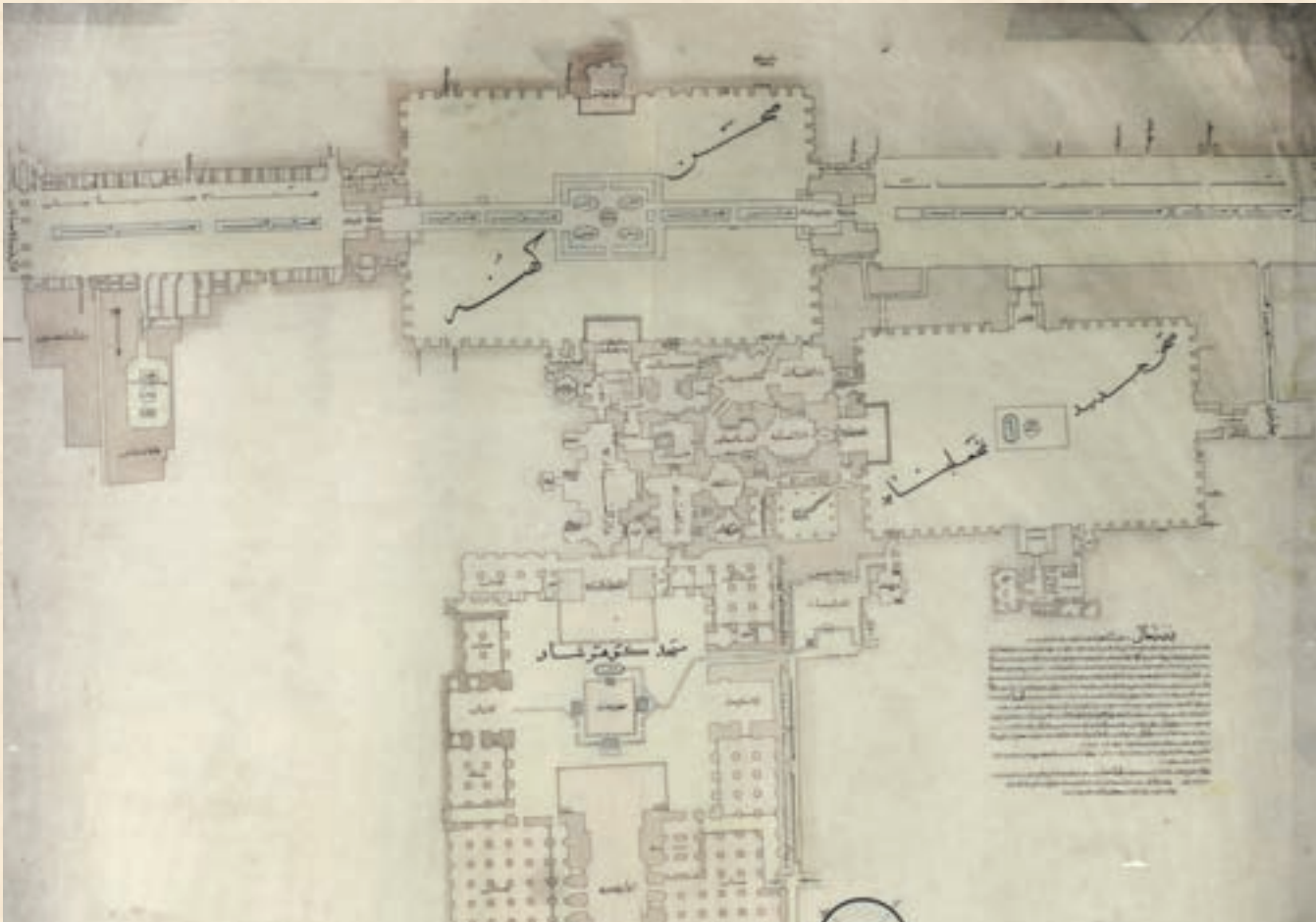
● نقشه مهندس بغایری

سرآمد همه این نقشه ها اما نقشه ای است که زیر نظر سر تیپ مهندس «عبدالرزاق بغایری» ترسیم شده است. او که متولد ۱۲۴۸ خورشیدی در اصفهان بوده، در هجده سالگی به تهران می رود و در دارالفنون ثبت نام می کند. چند سال بعد، او مهندسی است که علاوه بر تحصیل در رشته ریاضی، در ساعات فراغتش نقاشی می کشد، صحافی و ریخته گری می کند و گاهی گل کاغذی می سازد و از آنجا که دستی بر آتش سزودن شعر داشته، حتی طبع موزون می کرده و تخلص هم «نپتون» بوده است.

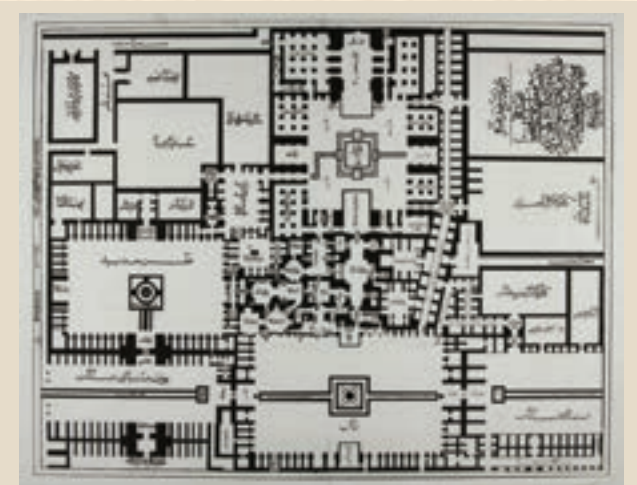
ساختن صفر تا صد کره جغرافیایی، یکی دیگر از هنرهایی است که او با دقت و ظرافت بسیار انجام می داده. آن چنان که یکی از این کره ها در سال ۱۳۱۰ هجری قمری به ناصرالدین شاه پیشکش می شود. او در دوره مظفرالدین شاه از کار دولتی کناره می کشد و همه هم و غم خود را به ترسیم نقشه اختصاص می دهد و پس از این است که بهترین و دقیق ترین نقشه های ایران

گذری بر قدیمی ترین نقشه های حرم مطهر رضوی که نخستین آن ها، تیرماه ۵۵ اسال پیش رسم شده است

نقش خورشید بر نقشه



نقشه ترسیم شده توسط عبد الرزاق مهندس بغایری



نقشه منتشر شده در مطلع الشمس طوری نقش خورده که مقیاس تقریباً دقیقی از وسعت حرم و روضه منوره ارائه می دهد. به این صورت که هر خانه نماد یک ذرع در نظر گرفته شده است. نام طراح از روی نقشه پاک شده و تنها عبارت «ولد خداد خان» آن مشخص است.

بسیاری گره خورده بود، هنوز وسط حیاط دیده می شود.

از دیگر کارهای ماندگار بغایری، تنظیم تقویمی صدساله (از ۱۲۸۱ تا ۱۳۸۴ هجری قمری) است که در آن وی، همه روزهای سال های شمسی، قمری و میلادی را با هم تطبیق داده است و در نهایت توانسته همه رویدادهای تاریخی گذشته بر ایران در این بازه زمانی را استخراج کند.

● نقشه آرتور پوپ

۱۵ سال پس از گروه مهندسانی که زیر نظر مهندس بغایری، کار ترسیم نقشه حرم مطهر را به پایان رساندند، آرتور پوپ در سال ۱۳۱۷ خورشیدی وقتی ورود غیرمسلمانان به حرم بلامانع بوده است، نقشه ای می کشد که در آن، جهت شمال جغرافیایی مشخص است و نام همه اماکن حرم و توضیحاتی که در معرفی آن ها آمده، به زبان انگلیسی نوشته شده است.

منبع: بررسی نقشه ها و اسناد مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند عملکرد ۲۵ ساله آستان قدس در توسعه عمرانی حرم مطهر رضوی، کتاب شمس الشومس احتشام کاویان، کتاب مطلع الشمس از محمد صنیع الدوله زندگی نامه عبدالرزاق بغایری از محسن مسعود انصاری، مقاله تحلیلی بر کهن ترین نقشه ابنیه حرم از وحید توسلی و کتاب گاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد از سیدمهدی سیدی.

سوی اطلاعات جغرافیایی ارزشمند، از نکات مثبت این نقشه، دیدن روند تغییراتی است که از ابتدای قرن چهاردهم بر حرم مطهر رضوی و شهر مشهد گذشته است. ماجرا از این قرار است که این نقشه چون در ابتدای قرن ترسیم شده دارای اطلاعاتی است که حتی پنج سال پس از ترسیمش دیگر در مشهد و حرم مطهر وجود ندارد، زیرا دامنه توسعه و تحولاتی که با نیابت محمدولی اسدی بر آستان مقدس رضوی رخ می دهد، آن چنان است که بسیاری از این بناها پس از پایان کار بغایری و گروهبش از بین می رود. برای نمونه در این نقشه، مسیر کانال راه نهر پایین خیابان هنوز جاری است و جان دارد. ایوان شمالی صحن جدید به «تلگرافخانه» معروف بوده است و نام دو مهمانخانه حرم، «مهمانخانه خدامی» در جنوب صحن جدید و «مهمانخانه زواری» در بست بالا خیابان مشاهده می شود. علاوه بر این موقعیت مکانی و وسعت دقیق بسیاری از ابنیه اطراف حرم مانند بازار کفشدوزها، نجیر بازار بزرگ و... که حالا دیگر نشانی از آنان در شهر وجود ندارد، بر این سند آمده که بسیار مهم است. در نقشه دیگری هم که از مسجد گوهرشاد رسم شده است، مسجد «پیرزن» که با آستان های



محدوده حرم تا سال ۲۱۸ هجری قمری



محدوده حرم تا سال ۷۰۵ هجری قمری



محدوده حرم تا سال ۸۳۱ هجری قمری



محدوده حرم تا سال ۱۱۴۶ هجری قمری

باسیاس

از: کاظم

جهانگیری

کلاته

کارشناس

واحد اسناد

وراحله یگانه

در کتابخانه

تخصصی تاریخ

در مرکز اسناد

آستان

قدس رضوی